

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و صلی
الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین لا
سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداءه و عجل الله تعالی فرجه الشریف.

قبل از شروع در بحث بعضی از دوستان فرمودند که جانباز محترمی است که بیماری
شدیدی دارد برای شفای آن بزرگوار یک سوره مبارکه حمد قرائت بفرمایید با صلوات.

بحث در اشکال سوم نسبت به استدلال آیه شریفه برای وجوب امر به معروف و نهی از
منکر بود. حاصل اشکال سوم این هست که آیه شریفه در مقام بیان حکم امر به معروف
و نهی از منکر نیست بلکه در مقام بیان این هست که باید یک امتی تشکیل بشود که این
کار را بکند پس آن که آیه دلالت بر وجوبش می‌کند ایجاد امتی است که این صفت را دارد
که این کار را می‌کند یا باید این کار را بکند. اما حالا آن کار واجب هست یا واجب نیست
در صدد بیان آن جهت این آیه نیست ولو آیات دیگر، روایات دیگر، اگر ما بودیم و این آیه و
دیگر هیچ نصی کتاباً و سنتاً و ادله دیگر وجود نداشت و صرف همین آیه راجع به امر به
معروف بود ما نمی‌توانستیم از این آیه استفاده کنیم وجوب امر به معروف را. چرا؟ چون
آیه می‌فرماید «و لتکن منکم امة» باید بوده باشد از میان شما مسلمان‌ها امتی که یدعون
الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. یک امتی باشد که این کار را بکند. خوب
حالا از این لحن، از این کلام چی می‌فهمیم، می‌فهمیم که باید یک امتی را ایجاد کنیم،
درست کنیم که این کار را انجام بدهد. حالا آن کار واجب است؟ این آیه در صددش
نیست. ممکن است یک کار مستحبی باشد، یک کار مطلوبی باشد ولی خدای متعال
بفرماید یک امتی باشند که به این کار، به این امر استحبابی اقدام می‌کنند. مثل این که
بفرماید مثلاً بزرگی می‌فرماید توی هر مدرسه علمیه‌ای باید یک امتی باشند نماز شب
بخوانند که این‌ها بقیه یاد بگیرند، تشویق بشوند آن‌ها هم همین جور بشوند. اما این که
نمی‌خواهد بگوید آن‌هایی که نماز شب می‌خوانند باید قصد وجوب بکنند. چون بر آن‌ها
دیگر واجب است. نه نماز شب به همان که هست که مستحب است، شما واجب است
یک کاری بکنید که مثلاً مدیر مدرسه یک کاری بکند طلبه‌هایی که می‌داند اهل نماز شب
هستند به آن‌ها حجه بدهد، یک جایی قرارشان بدهد، این واجب است آن کار را بکند که
آن‌ها ... این امتی که آن امت حالا نماز شب مستحبی می‌خوانند و می‌داند آن نماز شب
مستحبی را انجام می‌دهند این گروه را فراهم بکند تا این‌ها الگو بشوند، تا این‌ها برای
دیگران سرمشق بشوند. اما بر آن‌ها نماز شب را واجب نمی‌کند که آن‌ها باید نماز شب
بخوانند. آن‌ها باید قصد استحباب بکنند در نماز شب خواندن. قصد وجوب بکنند تشریع
است. پس آیه می‌فرماید «و لتکن منکم امة» باید یک امتی باشند که به این کار اقدام
بکنند. ای مدیر جامعه، ای ولی امر جامعه آدم‌های این جوری را پیدا کن و این‌ها را
متشکل کن، همین آدم‌هایی که استحباباً این کار را می‌کنند. ولی می‌داند استحباباً می‌کنند.
این‌ها را متشکل کن یک امت بشنود این‌ها امر به معروف کنند، نهی از منکر استحبابی را
انجام بدهند تا اثر خودش را بگذارد. پس بنابراین اگر ما به خود مدلول آیه توجه بکنیم

وجوبی برای آن مسأله از این آیه در نمی‌آید. اگر سنگین هم علی‌السمع می‌شود این مطلب، پذیرش این مطلب... مرحوم امام در بعضی جاها فرمودند در بعضی روایات که اگر ثقیل هست این معنایی که من برای روایت ذکر می‌کنم این به خاطر انس ذهن‌ها است و مفروغیتی که این واجب است حتماً، این مسلّم است حتماً ما آن را مفروض چون گرفتیم و مأنوس به آن هستیم سنگین برای ما می‌آید که مثلاً بگویم این آیه نمی‌گوید وجوب امر به معروف را. اما اگر از این جهت خودمان را خالی بکنیم و فرض کنیم ما هستیم و این آیه و چنین مطالبی با آن مأنوس نبودیم.

سؤال: اگر بگویم که استحباب است خب استحباب یعنی جواز ترک اگر بقیه همه ترک کردند دیگه غرض از آن تشکیل امت ...؟ چه؟

سؤال: اصلاً دیگه امت باقی نمی‌ماند.

سؤال: یعنی اصلاً وجوبی که این جا دارد باید یک غرضی داشته باشد. این غرض دیگه از بین می‌رود.

جواب: توضیح دادم، یک جملاتی را در اثناء بیان عرض کردم تا این که این اشکال را نفرمایید. این که می‌گوید «و لئن منکم امة» یعنی شما باید یک چنین امتی که این کار مستحب ... فرض کنید اگر مستحب باشد. این کار مستحب را انجام می‌دهند داشته باشید. خب اگر شما بدون این که خدای متعال آن کار را واجب کرده باشد خب شما که مدیر جامعه هستی باید چنین آدم‌هایی را پیدا بکنی تا چنین امتی متشکل بشود که می‌دانی این کار مستحب را انجام می‌دهند. خب می‌گوید بر شما لازم است و ضروری است که شما یک جمعیتی که این کار را مستحب را انجام می‌دهند این‌ها را متشکل کنی که این امت در جامعه حضور پیدا بکند. مثلاً فرض کنید اگر توی مدرسه شما، توی شهر شما چنین آدم‌هایی نیستند، شما آدم‌هایی که می‌شناسید در فلان جا و فلان جا این‌ها به این امر مستحب اقدام می‌کنند این‌ها را جمع کن یک جا توی این مدرسه تا این جا بشود دارای یک امتی که نماز شب خوان هستند تا در اثر این که این‌ها امتی هستند که نماز شب خوان هستند بقیه کم‌کم اقتداء کنند، یاد بگیرند، تشویق بشوند آن‌ها هم اهل نماز شب بشوند. بنابراین از این که می‌گوید شما باید یک چنین امتی را متشکل کنی، تشکیل بدهی، فراهم بکنی از این در نمی‌آید که آن فعل آن امت هم امر لازم و واجبی است. نه، با این که مستحب است اما چون این‌ها مقید هستند به این امر مستحب انجام دادن، و به قصد استحباب هم انجام می‌دهند اما شما این گروه را فراهم بکن در آن جا تا آن‌ها الگو بشوند. بنابراین این آیه شریفه بر این مسأله دلالت نمی‌کند.

سؤال: اگر که جایز هست ترک این کار نه این که غرض حاصل نمی‌شود، اصلاً گروه دیگه باقی نمی‌ماند. فرض یک گروهی نماز شب بخوانند، حالا به آن‌ها گفتند می‌توانید نخوانید،....

جواب: اولاً این فرض فاض است ممکن است شما با تشویق این‌ها را درست کنید. اگر نشد آن وقت به عنوان ثانوی از باب مقدمه لازم که چون می‌خواهید چنین گروهی تشکیل بدهید، نه خودش واجب می‌شود، چون آن بر شما واجب است از باب مقدمه خب حالا باید نماز شب بخوانید.

سؤال: ...

جواب: نه، وجوب شرعی مقدمی ... آن قاعده عقلی است. نه وجوب شرعی. آن می‌شود وجوب عقلی.

سؤال: من هم عقل ندارم.

جواب: خب باشد آن وجوب عقلی در آن فرض است که شما... فرض فارض است که آن جور چیزی نباشد. اگر چنین چیزی هم اصلاً ممکن نیست، به هر کسی می‌گویی حاضر نمی‌شود، خودت هم تنها که امت نیستی، معذوری. قدرت بر تشکیل چنین چیزی نداری، پیدا نمی‌کنی، هیچ آدمی زیربار نمی‌رود که این کار را بکند، خب معذور می‌شوی دیگه.

سؤال: حاج آقا آیه بنابراین هیچ کس نماز شب هم نخواند باز این «و لتکن» می‌تواند به وجوبش باقی باشد. واجب است که يدعون الى الخير.

جواب: يدعون یعنی یأمرن بالمعروف.

سؤال: ...؟

جواب: حرف سر همین است که این باید امتی باشند که یأمرن بالمعروف و ینهون عن المنکر در مقام دارد می‌گوید امر بکنید، نگفته امر بکنید به معروف که. آیه که نفرموده امر به معروف بکنید. امروا بالمعروف و انهوا عن المنکر. این که توی آیه نیست.

سؤال: این مشخص است، وجوب به امر نخورده، وجوب به تشکیل امتی خورده

جواب: پس بنابراین حالا که وجوب به امر به معروف نخورده، وجوب به نهی از منکر نخورده، وجوب به یک چیز یگیری خورده ما چطور استنباط بکنیم وجوب امر به معروف را؟ همین دیگه شما می‌خواهید بگویید امر به معروف کردن واجب است، خدای متعال در این آیه شریفه به امر به معروف کردن امر فرموده؟ نفرموده. پس به یک چیز دیگه امر فرموده. حالا که به یک چیز دیگه امر فرموده است آن چیز دیگر ملازم دارد با وجوب این جا؟ اگر ملازمه داشت خب باز می‌گفتیم به دلالت التزام. پس به خودش که امر نکرده، به چیز دیگری امر فرموده. آن چیز دیگر هم بین وجوب آن و وجوب این ملازمه نیست پس بنابراین من این تستفید من هذه الکریمه وجوب امر به معروف و وجوب نهی از منکر را؟ این استفاده نمی‌شود. ولو اشتهر در کلمات که این آیه شریفه از آیاتی است که از آن وجوب امر به معروف و نهی از منکر استفاده می‌شود اما وقتی دقت در آیه شریفه مثلاً می‌کنیم می‌بینیم نه چنین چیزی از این آیه استفاده نمی‌شود و مطلب آخری دارد استفاده می‌شود. این اشکال. حالا ببینیم این اشکال جواب دارد یا جواب ندارد.

سؤال: صدر و ذیل آیه را از هم جدا کنیم. «و لتکن منکم امة» از این «يدعون الى الخير».....

جواب: بله. دیگه از آن اظهر موارد خلاف ظاهر است که «و لتکن منکم امة» چی یک امتی باشد، همین، خب هست دیگه. امر به تحصیل حاصل می‌فرماید. امتی باشد، شما می‌فرمایید جدا می‌خواهیم بکنیم دیگه. یعنی به يدعون کار ندارد. خب این جدا، باید امت باشد. خب هست که. گفتند امر که نمی‌خواهد بکنید.

سؤال: این امت از باب

جواب: نه، شما ببینید آخه هر چیزی را که نمی‌شود گفت، لازمه فتوای شما این است که «و لتكن منكم امة» را اگر از آن جدا کنیم معنایش این است که «و لتكن منكم امة» می‌شود یک امر تحصیل حاصل، یک امر لغوی. این اولاً، ثانیاً خلاف ظاهر است. ظاهرش این است که این يدعون صفت برای امت است، امة يدعون الى الخير. ما بیایم همین طور جدا بکنیم خب خلاف آن چیزی است که در ظاهر جمله شریفه هست. باید یک کاری بکنیم موافق ظاهر صحبت بکنیم نه آن که آن چه دل‌مان می‌خواهد به آیه تحمیل بکنیم. ما باید ببینیم آیه چی می‌فرماید بر اثر موازن لغت و محاوره چی دارد می‌فرماید هر چی گفت روی چشم ما.

سؤال: از زیبایی‌های قرآن این است که ...

جواب: بعضی وقت‌ها درسته، قرینه می‌خواهد. این جا قرینه برخلاف آن فرمایشی است که می‌فرمایید.

خب این اصل اشکال. حالا ببینیم جواب دارد یا ندارد.

سؤال: ...؟

جواب: کجا برود، از کجا می‌خواهید استفاده کنید، از «و لتكن» می‌خواهید که صیغه امر است، که نیست. «يدعون الى الخير» هم که صفت است. می‌گوید امتی را ایجاد کن، باید امتی باشد که آن امت این چنین صفت را دارد «يدعون الى الخير، يأمرن بالمعروف، ينهون عن المنكر» این امت این صفت را دارد. پس «و لتكن» این صیغه افعّل، این نرفته روی امر به معروف و نهی از منکر.

سؤال: ...؟

جواب: بله این خیلی مهم است. خود این که امتی باشد که این مستحب را انجام می‌دهد توی جامعه خیلی مهم است.

سؤال: از کجا می‌دانیم مستحب است؟

جواب: نمی‌دانیم مستحب است ولی نمی‌دانیم هم واجب است. می‌گوییم این آیه در صدد بیان آن نیست. نه از آن استحباب فهمیده می‌شود، و نه از آن وجوب فهمیده می‌شود.

سؤال: ... دنبال مرخصی بود اگر نباشد می‌تواند این را انجام بدهد شاید مهم بود که گفتند امتی باید تشکیل بشود.

جواب: چی مهم بوده؟

سؤال: همان متعلق

جواب: فعلاً در تقریب اول هستیم نه تقریب دوم که از این آیه بالاخره فهمیده می‌شود محبوبیت امر به معروف و نهی از منکر. آن تقریب دوم است که از این آیه فهمیده می‌شود محبوبیت امر به معروف و نهی از منکر، عقل می‌گوید هر محبوب مولایی تا مادامی که مرخصی برای آن پیدا نکردید باید انجام بدهید. آن تقریب ثانی است. ما فعلاً در تقریب اول هستیم که خود «و لتكن» از صیغه، از دلالت لفظیه می‌خواهیم بفهمیم. این

تقریب اول است. تقریب دوم آن است. تقریب سوم هم این که «اولئك هم المفلحون» حصر از آن فهمیده می‌شود. از آن حصر می‌خواهیم بفهمیم وجوب را. این‌ها را باید تفکیک کنیم. فعلاً در صدد تقریب اول هستیم و ما یرد علیه که این تقریب درست است یا نه. پس بنابراین توجه می‌فرمایید دو تقریب دیگر را ما باید بعداً راجع به آن صحبت بکنیم. قبلاً گفتیم که سه تقریب این آیه دارد.

سؤال: فرمودید «و لتكن منكم امة يصلون النوافل» نمازشب می‌خوانند....

جواب: اشکال داشت؟

سؤال: بله اشکال داشت. اشکالش این بود که وجوب بودن این‌ها جز به این است که باید آن کارها را انجام بدهند. حداقلش این است که گردن آن‌ها واجب است و الا توی تشکیل این‌ها به چه صورت شما فرض می‌کنید یک عده‌ای بیایند وجوب که حداقلش هست. این از آیه وجوب بودن این افراد را می‌فهمیم که این صفت را باید داشته باشند. خب این باید باشد هم وجوب می‌شود.

جواب: این صفت را آن امت باید داشته باشند....

سؤال: ...؟ مستحبی انجام می‌دهند.

جواب: توضیح می‌دهم. یعنی افرادی که خودشان به اختیار خودشان دارند این صفت مستحبی را برای خودشان

سؤال: باید انجام بدهند.

جواب: نه، باید شما این‌ها را ایجاد بکنید. ایجاد چنین امتی بکنید که این کار مستحبی را انجام می‌دهند. می‌گوید ای مدیر مدرسه بر شما لازم است طلبه‌هایی را تربیت بکنی که اهل نماز شب باشند. معنایش این است که نمازشب را دارد واجب می‌کند بر طلبه‌ها؟ نه، بر شما دارد واجب می‌کند که جوری تربیت کن که آن‌ها این کار مستحب را انجام بدهند. حالا به عهده ما مسلمان‌ها دارد خدای متعال چی می‌گذارد؟ می‌گوید شما یک امتی درست کنید که آن امت این کار را انجام می‌دهند. اما این کار واجب است؟ ممکن است واجب نباشد. اما این که شما باید چنین امتی درست بکنید این واجب است. تشویق کنی، هر کاری باید بکنی، به هر جوری می‌شود بیا یک چنین امتی را درست کن که آن‌ها این کار را انجام بدهند اما آن‌ها این کار را که انجام می‌دهند واجب بر آن‌ها نیست آن‌ها به عنوان استحباب انجام می‌دهند، قصد وجوب نمی‌توانند بکنند. خب این چه اشکالی دارد این جوری. الان برای امور تربیتی یک همایشی گذاشتند مرجع تقلید آمده آن جا صحبت می‌فرماید برای این مدیران مدارس می‌گوید آقا کاری بکنید که توی مدرسه‌های شما افرادی باشند اهل نمازشب باشند، اهل نوافل باشند، اهل مستحبات باشند. این معنایش این است که بر آن‌ها واجب است؟ نه، معنایش این است که بر شما مدیر البته واجب است که با تشویقات، با کارهایی که انجام می‌دهی، با راهکارهایی که به کار می‌بندی افرادی توی مدرسه‌های شما درست بشوند که این کار مستحب را انجام بدهند. این آیه هم دارد همین را می‌فرماید. پس خدای متعال دارد می‌فرماید ای مردم من از شما می‌خواهم یک کاری بکنید که آدم‌هایی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند در بین شما باشند. اما حالا این امر به معروف بر آن‌ها واجب است؟ نه. پیدایشان کنید، تشویق کنید که آدم‌هایی که به این مستحب عمل می‌کنند در بین جامعه باشند چون وقتی آن

آدم‌ها در بین جامعه شدند آن وقت آثار خودش را می‌گذارد، آثار تربیتی خودش را می‌گذارد، آثار ترویجی از دین خودش را خواهد گذاشت. این اشکال.

آیا از این اشکال می‌توانیم جواب بدهیم؟

سؤال:

جواب: حالا ببینیم. حالا همین ببینیم این اشکال جواب دارد یا ندارد. شما به نکته خوبی توجه کردید.

از این اشکال بعض جواب‌هایی ممکن است داده بشود که باید این جواب‌ها طرح بشود، بررسی بشود ببینیم آیا حلال مشکل هست یا نیست.

قد یقال به این که این «من» در آیه شریفه «من» تبیین است نه «من» تبعیض. «من» تبیین چه کار می‌کند؟ بیان می‌کند مراد از یک واژه دیگری را، یا از جمله دیگری را مثل «فاجتنبوا الرجس من الأوثان» این «من» چه کار می‌کند؟ رجس را بیان می‌کند. یعنی اجتناب کنید رجس را که این رجس عبارت است از اوثان.

قد یقال بعض مفسرین بزرگ هم فرمودند من العامة و الخاصة، گفتند این «من» «من» بیانیه است. یعنی «و لتكن امة» باید امتی باشد که آن امت شما هستید نه کسی دیگر. این امت خودتان هستید. پس «من» تبعیض نیست، نمی‌گوید بخشی از شما، از میان شما. این‌ها ترجمه‌های غلط است. این «من» «من» بیانیه است. کأنّ این جوری گفته باید امتی باشد که این امت خودتان هستید کسی دیگر نیست. آن امت خودتان هستید. حالا پس خدا دارد چی می‌فرماید اگر این جوری معنا کردیم آیه را؟ باید خودتان کسانی باشید که امر به معروف می‌کنید و نهی از منکر می‌کنید. بنابراین اگر این جور معنا کردیم از آن در می‌آید که خودتان باید امر به معروف باشید.

سؤال: ...؟ یعنی امت مقدم بوده در اصل «و لتكن امة منكم»

جواب: منکم، این جور گفتند.

آیا این شاهی دارد که ما بیایم این جوری معنا بکنیم؟ استظهار این جور بکنیم؟ گفته می‌شود بله. چون اگر چنین چیزی بود مدلول آیه شریفه که شما باید ایجاد کنید یک چنین چیزی را، خب این لبان و طَهَر که از صدر اسلام پیامبر اکرم این کار را می‌کردند، بعد ائمه بعد این کار را انجام می‌دادند. بلکه خلفای جور هم این کار را انجام می‌دادند چون وقتی آیه به این وضوح دارد می‌گوید یک معنایی که قرآن به وضوح دارد این جور ذکر می‌شود که نمی‌شود کسی انجام ندهد. اگر چنین چیز واضحی در آیه شریفه بود و معنای آیه شریفه این بود؛ که شما واجب است بر شما که یک گروهی بسازید، ستاد امر به معروف درست کنید، یعنی یک ستاد درست کنید که این‌ها این مستحب را انجام بدهند. خب این لبان و طَهَر. از این که چنین چیزی شایع نشده لا من المعصومین علیهم السلام و لا من غیرهم از این می‌فهمیم که درک عرفی و معمولی از این آیه شریفه این نبوده بلکه همان بوده که مستدل دارد به آیه می‌گوید، می‌گوید آیه دارد می‌گوید همه‌تان امر به معروف بکنید. امتی باشید که... ای مردم شما امتی باشید که امر به معروف می‌کنید. این یک شاهد.

شاهد دوم؛ خود قرآن شریف است. «کنتم خیر امة اخرجت للناس» «کنتم» به همه مسلمانها خطاب دارد می‌کند. «کنتم» می‌باشید شما بهترین امتی که «اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» این امت آن جا با امتی که توی این آیه شریفه هست یکی است. پس بنابراین یک امت دیگری نیست. این جا می‌گوید «کنتم خیر امة» یعنی همه‌تان امتی هستید. نه این که از بعضی از شما، این «من» را تبعیض بخواهیم بگیریم پس همه آن امت نمی‌شوند. می‌شد بعضی از شما. نه، آن آیه «کنتم خیر امة» هم قرینه می‌شود که این «من» این جا همان «من» بیانیه است نه «من» تبعیض. یعنی باید بوده باشد امتی که آن امت خودتان هستید، امتی که تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» این هم شاهد دیگری که ذکر می‌شود که آن آیه هم تقویت می‌کند این مسأله را که می‌تواند شاهد باشد که باید این جوری معنا بکنید.

این جوابی است که از این مطلب داده می‌شود، گفته می‌شود در این مقام.

سؤال: آیه دیگری هم داریم «کونوا امة»...

جواب: بله «کونوا امة» هم همین طور است.

این حرفی است که زده می‌شود. این مطلب، این جواب

سؤال: ...؟ اگر «من» تبعیضی نباشد چی می‌شود؟

جواب: این می‌شود دیگه که شما باید بوده باشید ... حاصلش این می‌شود؛ شما باید امتی باشید که امر به معروف می‌کنید، نهی از منکر می‌کنید. مثل این که بگوید شما باید کسانی باشید که نماز ظهر می‌خوانید.

سؤال: شما باید امتی باشید که آن کار مستحب را انجام می‌دهید....

جواب: نه نمی‌شود. باید کار مستحب را انجام بدهید غلط است.

سؤال: نه کار مستحب، باید امتی باشید که کار مستحب بین شما انجام بشود.

جواب: بین شما ندارد. چون «من» تبعیض نشد. شما باید، همه‌تان. مثل این که به شما اخطار می‌کند بگوید که شما باید کسی باشید که نماز شب می‌خوانی.

سؤال: عموم ندارد.

جواب: وقتی امت شد همه هستند دیگه، همه امت هستند. همه مصادیق امت هستند.

سؤال: ...؟ یا مجهولی.

جواب: جمیع است دیگه. ظاهر امت یعنی همه‌تان. مثل این که شما قومی هستید که فلان باید بکنید. قوم یعنی همه‌تان باید این کار را بکنید.

سؤال: ...؟

جواب: یعنی با شرایطش دیگه. آن‌ها که از بین نمی‌رود. به گردن همه دارد می‌گذارد مع شرائطه. در صورتی که شرائطش باشد انجام بدهید.

سؤال: ...؟

جواب: نه در هر دو جا خطاب به همه مردم است ولی قهراً این کارهای این جوری را همه مردم چه جور بیایند انجام بدهند قهراً از راه رئیس‌شان انجام می‌دهند به او می‌گویند این کار را انجام بده.

سؤال: ...؟ اصحاب خاصه داشتند ...؟ ستاد امر به معروف بالاخره....

جواب: کجا چنین چیزی بوده.

سؤال: اباذر و سلمان و ...

جواب: حالا یکی یکی ببینیم. حالا این بالاخره جواب اشکال که داده شده.

عرض می‌کنم اما این که «من» را تبیین بگیریم ولو بعض بزرگان اهل تفسیر که ادیب هم هستند فرمودند اما همان طور که بعضی دیگر اشکال کردند و اشکال به حقی است این است که لم یعهد فی لغة العرب به خصوص در کلمات فصحاء و بلغاء که «من» تبیین قبل از مبین ذکر می‌شود. هنوز نیامده «من» تبیین ذکر می‌شود. این لم یعهد فی الکلمات که «منکم» قبل از امت ذکر شده است، این «منکم» بخواهد تبیین امتی باشد که بعد ذکر می‌شود. این اصلاً لم یعهد فی لغة العرب به خصوص در کلمات فصحاء، بنابراین یا غلط است و یا اگر غلط هم نباشد یک امر بسیار بسیار خلاف ظاهری است که لایسار الیه الا بالقرینه. و ما هم که قرینه‌ای این جا نداریم که دست از ظهور برداریم. اگر غلط است که خب روشن است که اصلاً نمی‌شود گفت. اگر غلط هم نباشد یک امر بسیار بسیار خلاف ظاهری است که قرینه می‌خواهد، قرینه وجود ندارد در این جا. این از نظر چی....

اما این که استشهاد بکنیم به آن آیه شریفه که حالا ایشان هم می‌فرمایند آن قرینه می‌خواست بشود. آن هم قرینه نمی‌تواند بشود بر این مسأله. چرا؟ برای این که در این آیه شریفه دارد می‌گوید ستاد امر به معروف تشکیل بدهید، آن هم دارد می‌گوید همه‌تان آمر به معروف باشید، ناهی از منکر باشید. اشکالی نیست با هم دیگه، می‌گوییم دو تا تکلیف است. کما این که يلتزم به بعض الفقهاء، ثلث من الفقهاء می‌گویند ما در باب امر به معروف دو تا وظیفه داریم؛ یکی وظیفه انفرادی و فردی که همه تک تک هر جا منکری را دیدند باید نهی کنند، واجبی دیدند متروک است باید امر بکنند. یک وظیفه دیگر هم این است که باید یک عده را سازماندهی بکنند که این‌ها امتی باشند که یأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر. می‌گویند ستاد، حالا اسمش را ما امروز می‌گذاریم ستاد امر به معروف. این یک وظیفه دارد می‌گوید، آن یک وظیفه دیگر را دارد می‌گوید.

ثانیاً؛ ان شاءالله در بحث آن آیه شریفه خواهد آمد «کنتم خیر امة اخرجت للناس» مرحوم علامه طباطبایی قدس سره با غیر ایشان از بزرگانی که ایشان این را اختیار می‌فرمایند این «کنتم» می‌گوید فعل ماضی است. دارد تعریف اول اسلام را می‌کند می‌گوید شما آن وقت خیلی آدم‌های خوبی بودید، این جوری بودید، چرا دست برداشتید، چرا تغییر منهج دادید. و الا اگر می‌خواهد بگوید «کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف» این که متروک است، این که توی جامعه ما نیست، نه شیعه هست، نه سنی هست، نه همگان است. «کنتم خیر امة اخرجت للناس» این چه تعریفی است بر امت اسلامی در کل الازمة. نه، این دارد زمان اول اسلام را دارد می‌گوید که آن ثله‌ای که آن وقت ایمان آوردند، پا به رکاب اسلام بودند آمر به معروف، ناهی از منکر بودند، مجاهد فی سبیل الله

بودند در کنار رسول خدا(ص). این دارد می‌گوید «کنتم»؛ بودید، نه هستید.

سؤال: مگر این آیه کی نازل شده؟

جواب: هر وقت نازل شده مال آن موقع دارد می‌گوید. آن جا حالا بحث‌هایش بعداً خواهد آمد.

«کنتم»؛ بودید، آن موقع بودید. حالا چرا تغییر منهج دادید. این آیه در صدد بیان این مطلب هست. پس بنابراین اگر این جور استظهار کردیم به قرائنی که بعداً آن بزرگانی که این معنا را در آیه شریفه فهمیده‌اند مثل علامه طباطبایی قدس سره که اصلاً ربطی به این ندارد یعنی قرینیت نمی‌تواند پیدا بکند. اگر هم محتمل شد این لعل این معنایش باشد، لعل آن معنایش باشد. یعنی این آیه، محکم کسی بگوید که...؟ این آیه باز خودش از مشکلات است، فقط مکاسب نیست که می‌گویند عباراتش معقد است. کفایه نیست که می‌گویند معقد است. ما وقتی سراغ تفسیر هم می‌آیم و آیات مبارکات را می‌آیم می‌بینیم خیلی فهم آیات به این آسانی نیست اگر کسی دقیق درس نخوانده باشد، توی آن عبارات کار نکرده باشد این جا می‌لنگد. توجه به قرائن، شواهد، خصوصیات، نمی‌تواند پیدا بکند که مسائل را درست بتواند محاسبه بکند. این جا ادق از آن جاست. هزارها مطلب این جاها هست که باید آدم به آن توجه بکند. خب این جا به خدمت شما عرض شود که پس بنابراین باز هم این نمی‌تواند قرینه باشد. وقتی محتمل الامرین شد امر محتمل الامرین، آن هم منفصل چطور می‌تواند برای آن آیه....

و اما این که گفته می‌شود که اگر معنای آیه شریفه این بود لبان و ظَهر من المعصومین و غیر المعصومین این ستادها تشکیل می‌شد، این از واضحات می‌شد. اولاً این منقوض است به آیه خمس بنابر مذهب بسیاری از بزرگان و حتی روایات که «وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» گفتند این خمس ارباح مکاسب را شامل می‌شود فقط اختصاص به خمس غنائم جنگی ندارد و حال این که این مسأله تا زمان صادقین علیهما السلام اصلاً خمس ارباح مکاسبی گفته شده است که متداول نبوده. در زمان رسول خدا. البته بعضی مثل محقق خویی بعضی روایاتی ذکر کردند که پیامبر هم خمس ارباح مکاسب گرفتند حتی این روایت از عامه شاید باشد ولی حالا آن ثابت ثابت نیست. اما مسلم این است که آن جور رائج نبوده. خب و حال این که اگر این آیه شریفه ظهور در این داشت امر واضحی بود که معنای آیه این است که لبان و ظَهر، همه می‌دیدند که آیه می‌گوید باید خمس باید بدهید. «وَاَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ» خب به این نقض می‌شود. البته این نقض را کسی ممکن است جواب بدهد به این که این چون والی امر حق بخشش دارد ممکن است بخشیده است. پیامبر اکرم(ص) بخشیده‌اند، امیرالمؤمنین سلام الله علیه بخشیده‌اند، ائمه بعد علیهم السلام بخشیدند تا امام صادق سلام الله علیه. امام صادق سلام الله علیه هم زمان‌هایش فرق می‌کند. در بعضی روایات امام صادق بعضی سال‌ها بخشیدند فرمودند «ما انصفناکم» با این وضعی که الان موجود است خیلی مردم در فشار اقتصادی بودند یک زمانی مثلاً قحطی‌هایی بوده، چه بوده، فلان بوده حضرت فرمودند «ما انصفناکم» اگر بخواهیم ما الان بگیریم انصاف نیست، بخشیدند ولی بعدش گرفتند. ائمه بعد دوباره گرفتند. یک جاهایی را چون به دست ولی امر هست مخصوصاً معصومین سلام الله علیهم اجمعین آن‌ها می‌توانند ببخشند کما این که روایت علی بن مهزیار، صحیحه علی بن مهزیار امام جواد سلام الله علیه آن جا فرمودند که در سنه فوت‌شان یک چیزی کردند برای شیعیان، مقداری را بخشیدند بعد یک ششم را

فرمودند بدهید و همین یک کارهایی کردند برای تسهیل امر بر شیعیان‌شان. خب این‌ها چون دست ائمه علیهم السلام است، مالیاتی است دست ائمه علیهم السلام به حسب مقتضیات زمان اخذ می‌کنند؛ کلاً می‌بخشند، بعضاً می‌بخشند. یا مصالحه می‌کنند با یک مقدار دیگه. خب این بوده.

پس بنابراین ممکن است آیه دلالت می‌کرده و مردم هم می‌فهمیدند واجب است اما چون پیامبر فرموده حالا من نمی‌گیرم، بخشیدم، ائمه بعد علیهم السلام فرمودند بخشیدیم. البته این‌ها باز این قلت و قلت زیاد دارد که اگر این جور بود چرا آن ثلاثه‌ای که آمدند آن‌ها اگر یک چنین راهی بود خب آن‌ها می‌گفتند ما نمی‌خواهیم ببخشیم ما می‌گیریم. اگر دلالت واضح بود که این جوری هست چرا آن‌ها نکردند.

ثانیاً گفته می‌شود که این که ستاد امر به معروف باید تشکیل داد اتفاقاً بوده. کتاب الحسبه که در عامه متعارف است، حتی کتاب مستقل دارند کتاب الحسبه و اول بحث امر به معروف هم عرض کردیم که بعضی از بزرگان علما کتاب امر به معروف را در ذیل چی بحث کردند؟ کتاب الحسبه، حتی مثلاً. مثلاً فیض در مفاتیح الشرایع این را در کتاب الحسبه ذکر کرده؛ مسائل امر به معروف و نهی از منکر را. حسبه همین بوده، حسبه عبارت بوده از یک نهادی که این کارهای امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه انجام می‌داده و این در خلفای ... و چون حکومت دست آن‌ها بوده و دست ائمه علیهم السلام نبود که ما سیره ائمه را بیایم بخواهیم ملاحظه بکنیم. ائمه هم در زمانی زندگی می‌کردند که اگر می‌خواستند ستاد امر به معروف درست بکنند قدرتی بر این نداشتند. دولت‌ها نمی‌گذاشتند که امام صادق سلام الله علیه مثلاً در مقابل منصور و فلان و این‌ها بیاید یک ستاد درست بکند. می‌گویند این‌ها لشکر است داری درست می‌کنی. خب شما داستان‌های موسی بن جعفر سلام الله علیه... همین خمس و زکاتی هم که محرمانه می‌گرفتند همین‌ها باعث شده که گاهی ائمه علیهم السلام را کشتند. گفتند شما دارید پول جمع می‌کنید، شما دارید نیرو جمع می‌کنید. همین خمس و زکات‌هایی که می‌آوردند به ائمه می‌دادند خیلی در خفاء و خیلی عجیب است. واقعاً انسان تاریخ ائمه علیهم السلام را که مطالعه می‌کند یک وقتی من یک آقای خدا رحمتش کند آقای خسروی بود خیلی آدم ولایی چیزی بود دیدم توی مدرسه فیضیه آن وقت به این شکل نبود. یک مرتبه ما دیدیم ایشان داشت مطالعه می‌کرد های بلند گریه می‌کند. داشت منتهی الآمال را مطالعه می‌کرد یا یک کتاب دیگه، احوالات ائمه علیهم السلام را. این داشت تاریخ را مطالعه می‌کرد اما تاریخ ائمه این آدم را آن جور منقلب کرده که از دست خودش... توی کتابخانه های بلند بلند گریه می‌کرد که این چه ظلمی است به اولیاء اسلام شده، چه جور این انسان‌های کامل را، این راه حق را این‌ها ... خلاصه این بوده. پس این که این را قرینه قرار بدهیم که اگر بود لبان و ظهر می‌شد، خب شده. اما از ائمه اگر صادر نشده به خاطر عدم قدرت بوده، به خاطر این که آن‌ها نمی‌توانستند. حکومت دست دیگران بوده.

و اما این که در زمان رسول خدا(ص) نبوده، معلوم نیست شاید یک عده را مأمور کرده بودند که شما امر به معروف کنید. ما نمی‌دانیم شاید بوده. یعنی تاریخ زمان پیامبر صلوات الله علیه آن جور واضح برای ما همه خصوصیات باشد که بدانیم پیامبر چی فرمودند نمی‌دانیم چه کار کردند. و این‌ها مشروط به قدرت است قهراً، مشروط به شرایط هم هست دیگه. شرایط دارد، قدرت می‌خواهد، حالا ممکن است شرایط قدرت نبوده.

علی ای حال این اجوبه‌ای که به این شکل به این مطلب داده شده تمام نیست فلذا به

نظر می‌آید که این اشکال اشکال قوی‌ای است در استدلال به این آیه شریفه. و اما اشکال چهار و پنج و شش هم وجود دارد که ان شاءالله فردا.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.